



دعا و نیایش در غنای سبک زندگی (با تکیه بر اشعار نسخ مصور فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ)

علی محمد جهانی^۱ ID، علی عشقی سردهی^۲ ID، ابوالقاسم امیر احمدی^۳ ID

^۱ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران. Jahani.mohamadali@yahoo.com
^۲ (نویسنده مسئول) گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران. eshghisardehi@vatanmail.ir
^۳ گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد سبزوار، دانشگاه آزاد اسلامی، سبزوار، ایران. Amirahmadi.abolghasem@yahoo.com

چکیده

دعا و نیایش در شعر فارسی، نشان از تلاش بنده برای اتصال به خالق است. شاعر فرصت ارزشمند هم‌سخنی با خداوند را از طریق دعا قدر می‌شناسد و فارغ از رد یا قبول دعا، خود را وامدار و شکرگزار معبود می‌داند. دعا در شعر بزرگان ادب فارسی، به‌ویژه در چهار رکن و ستون این ادبیات گران سنگ (فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ) به معنی واقعی، منشأ آسمانی و قرآنی پیدا می‌کند و نتیجه لطف و رحمت بی‌منتهای کردگار عالم است که بر بندگان منت می‌گذارد و فرصت دعا و شهد جان‌فزای نیایش را به خاصان خود می‌دهد. مسئله پژوهش حاضر چگونگی انعکاس مقوله دعا و نیایش در نسخ مصور برجای مانده از شاعران بزرگ ایرانی فردوسی، سعدی، حافظ، مولوی است. در این پژوهش تلاش خواهد شد به این سؤال که تفاوت طرز نگاه و سبک شعری آن‌ها- با توجه به گوهر و فطرتی که داشتند- به بحث دعا و نیایش، علی‌رغم داشتن هدف غایی مشترک که متعالی ساختن روح و روان آدمی است، در حد وسع و طاقت پاسخ داده شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است. یافته‌های پژوهش حاکی از این است که دعا و نیایش در آثار این استوانه‌های ادب فارسی از سر درد و نیاز و زاری است و یک نوع احتیاج و التجاء است و در واقع کلید گشایش است.

اهداف پژوهش:

۱. بررسی دعا و نیایش در شعر فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی.

۲. بررسی مسئله دعا و نیایش در نسخ مصور آثار فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی.

سوالات پژوهش:

۱. دعا و نیایش در شعر فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی چه جایگاهی دارد؟

۲. مسئله دعا و نیایش در نسخ مصور آثار فردوسی، سعدی، حافظ و مولوی چگونه منعکس شده

است؟

اطلاعات مقاله

مقاله پژوهشی

شماره ۴۹

دوره ۲۰

صفحه ۲۱۸ الی ۲۳۲

تاریخ ارسال مقاله: ۱۳۹۹/۰۹/۱۰

تاریخ داوری: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

تاریخ صدور پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۱۲

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۰۱

کلمات کلیدی

دعا،
سبک‌زندگی،
فردوسی،
مولوی،
سعدی و حافظ.

ارجاع به این مقاله

جهانی، علی محمد، عشقی سردهی، علی، امیر احمدی، ابوالقاسم. (۱۴۰۲). دعا و نیایش در غنای سبک زندگی (با تکیه بر اشعار نسخ مصور فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ). مطالعات هنر اسلامی، ۲۰(۴۹)، ۲۱۸-۲۳۲.



dor.net/dor/20.1001.1.1735708.1402.20.49.98



dx.doi.org/10.22034/IAS.2021.284021.1601

مقدمه

دعا و نیایش از دلنشین‌ترین راه‌های اتصال بین بنده و خالق و حبل‌المتینی آرام‌بخش و راه‌گشا و از مؤثرترین شیوه‌ها برای غنای سبک زندگی است که قدمتی به تاریخ خلقت انسان دارد؛ چراکه نیایش و دعا بر زبان حضرت آدم (ع) و حوا (ع) نیز جاری و ساری بوده است. فطرت خداجوی انسان همیشه به‌دنبال راهی بوده است تا به سرچشمه لایزال الهی متصل شود و در هر زمان و به هر بهانه‌ای سعی در رسیدن به معشوق و معبود ازلی داشته است و این امر در شعر فارسی شکوهی مانا دارد. شعر شکوهمند فارسی، به سبب نظم و آهنگ منحصربه‌فرد و بار معنایی واژه‌ها، وقتی رنگ و بوی عرفانی می‌گیرد، بزرگی و جلال پیدا می‌کند. شعرای بزرگ ایران‌زمین، هنگامی که در برابر خداوند قرار می‌گیرند و با او هم سخن می‌شوند، کلامشان آسمانی می‌شود. دعا و نیایش ابراز بندگی به درگاه حضرت حق است و هرچه این امر با صداقت و صفای باطن صورت پذیرد، زیباتر و اثرپذیرتر خواهد بود. دعا، تدبیر و تعلیمی است که قرآن و روایات و اهل بیت (ع) به ما آموخته‌اند که از این سلاح اثرگذار و کارا بهره ببریم و جای بسی خوش‌وقتی است که زیباترین و دل‌نشین‌ترین بخش‌های ادبیات را نیایش‌ها و مناجات‌هایی تشکیل می‌دهند که شعرا و نویسندگان از زبان خود و یا شخصیت‌های شعری‌شان در هر مقام و رتبه‌ای که بوده‌اند از سر درد و نیاز با حالت تواضع و زاری سروده‌اند و هرچه دردش بیشتر، اثرگذاری‌اش بیشتر. چهار شاعر بزرگ این سرزمین (فردوسی، مولوی، سعدی و حافظ) که وجدان بیدار جامعه ایرانی به‌شمار می‌روند و آئینه تمام‌نمای سبک زندگی ایرانی-اسلامی این سرزمین‌اند و در این امر پیشگام می‌باشند، باتوجه‌به منش و شخصیتی که داشتند به جایگاه و آثار دعا در زندگی فردی و اجتماعی با زبان و سبک خاص شعری خود پرداخته‌اند و به آن غنا بخشیده‌اند.

تاکنون در بحث دعا و نیایش در شعر برخی از شعراء، به تعداد انگشت‌شمار کتاب، نوشته شده است. از جمله «مناجات و دعا در شعر فارسی» از احمد احمدی بیرجندی (۱۳۷۵) که تنها به معرفی نمونه‌هایی از نیایش‌های سروده شده در اشعار حدود ۴۰ نفر از شعرای ایران پرداخته است. کتاب دعا و نیایش از محمد کرمانی (۱۳۸۲) که پژوهشی در مسئله دعا و معرفی دعا‌های مثنوی مولوی است و همچنین کتاب سرود نیایش از علی جهانپور (۱۳۹۴) که نگاهی به نیایش‌های فردوسی در شاهنامه دارد و تعدادی مقاله که هرکدام به‌صورت جداگانه به اهمیت دعا و نیایش در شعر یکی از شعرای زبان فارسی و بیشتر فردوسی و تا حدودی مولوی و اندک تعدادی به سعدی و حافظ پرداخته‌اند. مقاله «شهد دعا در اشعار حافظ» از ایوب هاشمی (۱۳۸۹)، مقاله «سبک و شیوه عطار در نیایش» از فریده داودی مقدم (۱۳۹۶)، مقاله پژوهشی «مطالعه دعا و نیایش در شاهنامه فردوسی» از شمس‌الحاجیه اردلانی (۱۳۹۳)، پایان‌نامه «دعا در شاهنامه» معصومه مشفق (۱۳۹۰) و پایان‌نامه «دعا و مناجات در شاهنامه فردوسی» از حجت خوشه‌چین (۱۳۷۹) از جمله این تحقیقات صورت گرفته است که هرکدام در اثر پژوهشی خود به تعریف دعا و نیایش پرداخته و نمونه‌هایی از شعر شاعران مورد بحث را به‌عنوان شاهد آورده‌اند. اما پژوهش جامع و کاملی مطابق اهداف این مقاله در بحث جایگاه دعا و نیایش به‌عنوان یکی از عوامل اثرگذار غنای سبک زندگی در شعر چهار شاعر نامدار ادب فارسی ارائه نشده است. در عصر حاضر بیش از هر زمان دیگری، نیازمند به بهره بردن از آثار این بزرگان می‌باشیم که کلامشان برگرفته از قرآن

و روایات و احادیث گران‌سنگی است که از بزرگان دین گرفته‌اند. هرچند نوع کلام هریک از این استوانه‌های ادب پارسی به ظاهر متفاوت است؛ اما تمامی آن‌ها هم و غمشان رسیدن به سرچشمه لایزال الهی است. پژوهش حاضر به روش توصیفی و تحلیلی و با تکیه بر داده‌های منابع کتابخانه‌ای به رشته تحریر درآمده است.

۱. دعا در لغت

«دعا» از دَعَوَ به معنی خواندن و حاجت خواستن و استمداد است و گاهی مطلق خواندن از آن منظور است، مثل «لَمَّ يَزِدُهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا» (نوح: ۶) و گاهی مراد همان درخواست و استمداد است؛ مثل «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ» (ابراهیم: ۳۹) «(قریشی، ۱۳۵۲: ۳۴۴). «دعا در معنی خواندن از جهت آنکه صاحب دعا نظر طرف را به خود متوجه کند، با گریه و زاری، خدا را ندا کردن برای آنکه از او دفع عذاب کند یا مطلوبش را برآورده کند» (قریب، ۱۳۶۶: ۴۲۴). در دایره‌المعارف تشیع هم دعا در لغت به معنی فراخوانی و ندا کردن و درخواست و نیز حاجت خواهی از خداوند است. در ادامه نیز در تفاوت ندا و دعا می‌گوید: «ندا کردن، بلند نمودن صدا و کشیدن آن است، اما دعا هم آهسته انجام می‌شود و هم با صدای بلند می‌گویند... و نیز گاهی دعا به وسیله علامتی که مقصود را بفهماند انجام می‌شود و هیچ نیازی به صداکردن نیست ... ندا هم به معنی دعا می‌آید، چنان‌که خداوند فرموده است: إِذْ نَادَى رَبَّهُ نِدَاءً خَفِيًّا (مریم: ۱۲)» (صدر حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۷۸: ۷/ ۵۱۴). در دانشنامه اسلام در تعریف دعا در اصطلاح آمده است: «دعا در اصطلاح به معنای درخواست انجام کاری از مدعو است که به صورت جمله امر یا نهی و گاه نیز به صورت جمله خبری، مانند غفرالله لک، می‌آید (حداد عادل، ۱۳۹۱: ۱۷/ ۷۴۵).

۲. دعا در قرآن کریم

قرآن سرچشمه حکمت و معرفت و چراغ راه زندگی است و هر سخنی بدون مقدمه قرآن بیان شود، ابر است. کلمه دعا و مشتقاتش بیش از ۲۰۰ بار در آیات قرآن کریم به کاررفته است و به آداب و شرایط و زمان و مکان دعا به روشنی اشاره کرده است. در قرآن معمولاً هر زمان که از عبارت «ربنا» بهره برده شده است، به نوعی طلب و مغفرت و رحمت واسعة الهی از درگاه حضرت حق شده است. خود خداوند می‌فرماید: قُلْ مَا يَعْجَبُ بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ (فرقان: ۷۷) بگو که اگر دعای شما (و ناله و زاری و توبه شما) نبود خدا به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟ و در آیه ۶۰ سوره غافر می‌فرماید: «وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» و پروردگارتان فرمود مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم، در حقیقت کسانی که از پرستش من کبر می‌ورزند به زودی خوار، در دوزخ درمی‌آیند. علامه طباطبایی در المیزان با نگاهی فلسفی به تمامی سؤال‌های مطرح شده در زمینه دعا با بهره‌گیری از آیات قرآنی و احادیث و روایات معتبر به روشنی پاسخ می‌دهد و باورش این است که دعاهایی که از جانب انسان انجام می‌شود، ریشه فطری و ذاتی دارد و استجاب دعا را مستلزم رعایت شروطی می‌داند که انسان باید رعایت کند. علامه می‌گوید: «استجاب همواره مطابق دعاست. پس آنچه سائل بر حسب عقیده قلبی و حقیقت ضمیر خود از خدا می‌خواهد، خدا به او می‌دهد، نه آنچه که گفتارش و لقلقه لسانش اظهار می‌دارد، چون بسیار می‌شود که لفظ، آن‌گونه که باید،

مطابق با معنای مطلوب نیست (طباطبایی، ۱۳۹۴: ۲/ ۵۲). در قرآن دعا به بهترین وجه و سبک و سیاق بیان شده است. «ادعیه قرآن از دو جهت شایان دقت است، یکی شیوه ابداع و اعجاز در بلاغت و جامعیت الفاظ و جملات که همچون سایر معارف قرآنی جذاب و شگفت‌انگیز است؛ دیگر معانی دقیق و لطیف دعاها که شامل همه نیازها و بیانگر همه دردها و درمان‌هاست» (صدر حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۷۸: ۷/ ۵۱۶ و ۵۱۷).

۳. دعا در احادیث و روایات

دعا از جمله اعمال نیک و خیری است که فراوان در احادیث و روایات از سوی پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) آمده است: «براساس احادیث، دعا، سلاح مؤمن، ستون دین، درون‌مایه و مغز عبادت، نور و زینت آسمان‌ها و زمین، کلید رحمت، رمز رستگاری، شفای هر درد، موجب افزایش روزی و سالم ماندن از گزند شیطان و وسیله‌ای برای رفع بلا و جلوگیری از نزول آن است» (حداد عادل، ۱۳۹۱: ۱۷/ ۷۵۴). در واقع پرداختن به امر دعا و نیایش و تأکید بر اهمیت والای آن از سوی معصومین علیهم السلام باعث غنای این گنجینه و کلید گشایش خواهد بود؛ چراکه «ایشان (ائمه) به راه و رسم نیایش و عرض حاجت و چگونگی خضوع و مناجات با خداوند، از همه خلائق آگاه‌تراند و نیز آن دعاها از بهترین ذخایر علمی و ارزشمندترین گنجینه‌های فکری و زیباترین شاهکارهای ادبی است» (حاج سیدجوادی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۱۷). حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «الدُّعَا مُفْتَا حُ الرَّحْمَةِ وَ مِصْبَاحُ الظُّلْمَةِ» دعا کلید رحمت خداوند و چراغ روشنی برای تاریکی‌های دنیا و آخرت است (بحار الانوار، بی تا: ۳۰/ ۹۰). امام صادق علیه السلام نیز دعا را بالاترین نوع عبادت می‌داند و می‌فرماید: «أَفْضَلُ الْعِبَادَةِ الدُّعَا» هیچ عبادتی بالاتر از دعا نیست (میزان الحکمه، باب ۱۱۸۹، حدیث ۵۵۱۶ و ۵۵۳۲).

۴. آداب و شرایط دعا

هیچ چیز جای عبادت و دعا را نمی‌تواند پر بکند و باید بخشی از ایام را به آن پرداخت. در واقع دعا نوعی تعلیم برای شناخت بهتر پروردگار است و اینکه مصالح دنیا و آخرت‌مان را چگونه تشخیص بدهیم. ستایش خداوند، پاکی و حضور قلب، ایمان و اخلاص، خضوع و فروتنی، پاکی و طهارت، تضرع و زاری، اصرار، استمرار و پافشاری، عمومیت دادن، دعای جمعی، امر به معروف و نهی از منکر و مقدم داشتن دیگران بر خود از جمله ویژگی‌ها و آداب دعا است که در قرآن و روایات و به تبع آن در شعر شعرای مورد بحث با توجه به سبک و نوع نگاهشان به زندگی به آن اشاره شده است. ستایش خداوند با حضور قلب و اخلاص باید صورت گیرد: هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ. (غافر: ۶۵) و همچنین: فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ. پس خدا را بخوانید در حالی که دین را برای او خالص کرده باشید، هر چند کافران نخواهند (همان: ۱۴). پیوستگی درخواست از خدا نشانه یک بنده خداشناس است. وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ وَ أَنْانَ رَا كِه صَبِيح وَ شَامَ خَدَا رَا مِي خَوَانَد وَ قَصْدشَان فَقط خداست از خود مران (الانعام: ۵۲). در آیه ۵۵ سوره اعراف خداوند به چند ویژگی دعا اشاره می‌کند:

«ادْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ» خدای خود را به تضرع و زاری و نهانی (به صدای آهسته که به اخلاص نزدیک است) بخوانید (و از اندازه مگذرید) که خدا هرگز متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

مگو پای عزت بر افلاک نه بگو روی اخلاص بر خاک نه

به طاعت بنه چهره بر آستان که این است سر جاده راستان (بوستان، مقدمه)

درد آمد بهتر از ملک جهان تا بخوانی مر خدا را در نهان

خواندن بی درد از افسردگیست خواندن با درد از دل بردگیست (مثنوی، دفتر سوم، ابیات ۲۰۳-۲۰۴)

دعا در واقع این احساس را به ما می‌دهد که مورد مغفرت قرار گرفته‌ایم و احساس سبک‌بالی می‌کنیم و به همین خاطر است وقتی مناجات‌های شورانگیز را می‌خوانیم؛ احساس آزادگی پیدا می‌کنیم. دعا به ما می‌آموزد که ما در هر شرایطی بدهکار خداوند هستیم و درخواست ما از خداوند طلب مغفرت و رحمت و عفو و بخشایش است. انسان خداجوی در همه حالی دست به‌سوی پروردگار برمی‌دارد و از او استمداد می‌خواهد. حتی زمانی که تلاش و مجاهدت می‌کند بازهم توکل به درگاه الهی دارد. «و يَرْزُقُهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بِالِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا»؛ و او را از جایی که گمان ندارد روزی می‌دهد؛ و هر کس بر خدا توکل کند، خدا امر او را کفایت می‌کند؛ خداوند فرمان خود را به انجام می‌رساند؛ به یقین خدا برای هر چیزی اندازه‌ای قرار داده است (طلاق : ۳). معنای دعا نباید برابر با ترک کار و کسب باشد که توکل در نفس خودش طبق کلام معصوم همراهی با تلاش را می‌طلبد.

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اشتر ببند

گفت آری گر توکل رهبر است این سبب هم سنت پیغمبر است (مثنوی، دفتر اول، بیت ۹۱۲-۹۱۳)

تکیه بر تقوا و دانش در طریقت کافرست راهرو گر صد هنر دارد توکل بایش (دیوان حافظ، غزل ۲۷۶)

آنچه که از خداوند به ما رسیده است، لطف و کرم او بوده است؛ نه استحقاق و طلب ما و در واقع تفسیر انسان آگاه در مقام دعا، تفسیر کریمانه از عالم است نه عادلانه که اگر خداوند با عدلش با ما رفتار می‌کرد تحمل پذیرش آن را نداشتیم. «قَالَا رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنْفُسَنَا وَإِنْ لَمْ تَغْفِرْ لَنَا وَ تَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ». گفتند: خدایا، ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحمت و رأفت نفرمایی سخت از زیانکاران خواهیم بود (اعراف : ۲۳). به قول کریم زمانی: «دعا نتیجه وجه رحمانیت خداوند است و تنها از این وجه است که بنده امکان می‌یابد که بدو تقرب جوید» (زمانی، ۱۳۸۲: ۶۹۱). استمرار در دعا، نشانه لذت بردن از هم‌کلامی با خداوند است که نصیب افراد خاص می‌شود. انسان نباید منتظر پاسخ باشد که البته پاسخ شنیدن لذت‌بخش است ولی فرصت هم‌کلامی را نباید از دست داد. پس آدمی در هر شرایطی و با هر زبانی باید خدا را بخواند. بخش زیادی از زبان، نانوخته است و با همدمی و همراهی به‌دست می‌آید.

از هر کرانه تیر دعا کرده‌ام روان

باشد کز آن میانه یکی کارگر شود (حافظ، غزل ۲۲۶)

دعاگوی غریبان جهانم

و ادعو بالتواتر و التوالی (همان، غزل ۴۶۳)

که یکسر به یزدان نیایش کنید

ستایش ورا در فزایش کنید (شاهنامه، ۹/بیت ۳۱۱)

غیر نطق و غیر ایماء و سجل

صد هزاران ترجمه خیزد ز دل (مثنوی، دفتر اول، بیت ۱۲۰۸)

تو مگو ما را بر آن شه بار نیست

با کریمان کارها دشوار نیست (همان، بیت ۲۲۱)

منگر اندر ما مکن در ما نظر

اندر اکرام و سخای خود نگر (همان، بیت ۶۰۹)

گروهی اعتقادشان بر این است، کسی بر اراده خدا نمی‌تواند اثر بگذارد و قوانین علی عالم، قطعی است و لذا دعا در واقع دخالت در امر خداوند است و دعا را جایز نمی‌دانند؛ غافل از آنکه خود دعا، خواست خداوند است که مسبب ایجاد دعای بنده می‌شود. «همه این مشکلات از اینجا پیدا شده است که گمان کرده‌اند خود دعا بیرون از حوزه قضا و قدر الهی است، بیرون از حکمت الهی است؛ در صورتی که دعا و استجاب دعا نیز جزئی از قضا و قدر الهی است و احیانا جلو قضا و قدرهایی را می‌گیرد، به همین دلیل نه با حکمت خداوند و نه با رضای خداوند منافاتی ندارد» (مطهری، ۱۳۷۶: ۲۹۷).

چون خدا خواهد که مان یاری کند

میل ما را جانب زاری کند (مثنوی دفتر اول، بیت ۸۱۷)

دعاآموزی خداوند از نکات بسیار ارزشمندی است که بارها در آثار بزرگانمان تکرار شده است و در واقع به تعبیر خود مولانا بخشش و تعلیم اوست. در واقع خداوند عاشق و طالب ماست و ما را به سوی خود می‌خواند و وقتی با بزرگی و زیبایی او مواجه می‌شویم عاشقش می‌شویم. دعا و نیایش انسان‌های وارسته و پاک به طمع بهشت و یا ترس از دوزخ و عذاب الهی نیست. آن‌ها دعا را برای نزدیکی و گفت‌وگو با خداوند می‌دانند که نشانه رحمت و لطف الهی است که این فرصت را برای آن‌ها فراهم ساخته است. «باید دعا را برای دعا، برای افتخار گفتگو و هم سخنی با خدا و برای شناخت خود و معرفت به خدای خود خواست و خواند» (کرمانی، ۱۳۸۳: ۱۶)

ما ز آرزو و حرص خود را سوختیم

این دعا را هم ز تو آموختیم (مثنوی، دفتر سوم، ۴۳۵)

۵. زمان و مکان دعا

دعا گفت‌وگوی بنده با خداست برای درخواست و اظهار نیاز و لذا مختص به زمان و مکان خاصی نیست اما احادیث و روایات فراوانی وجود دارد که دعا در اوقاتی خاص زودتر مستجاب می‌شوند، ضمن آنکه در آن زمان‌ها انسان نیز حال خوشی برای دعا پیدا می‌کند. در دایره‌المعارف تشیع آمده است: «شب و روز جمعه، شبها و روزهای قدر، شب‌های ماه مبارک رمضان، شب‌های عرفه و مبعث و عید فطر و عید قربان و عید غدیر و ... هنگام شنیدن اذان، تلاوت قرآن ... و بعد از هر نماز دعا مستجاب می‌شود» (حاج سید جوادی و همکاران، ۱۳۸۷: ۵۱۹). در قرآن هم در آیات مختلف به

زمان دعا اشاره شده است. خداوند می‌فرماید: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ»، (شب‌ها) پهلوی از بستر خواب تهی کنند و با بیم و امید (و ناله اشتیاق در نماز شب) خدای خود را بخوانند و آنچه روزی آن‌ها کرده‌ایم (به مسکینان) انفاق کنند (السجده: ۱۶). در مورد مکان دعا هم آمده است: «شهر مکه، مسجد الحرام، کعبه و مکان‌های خاصی از کعبه ...، صحرای عرفات در روز عرفه، فضای پیرامون قبر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تا فاصله مدفن و منبر ایشان که روضه نامیده می‌شود، حرم امامان علیهم السلام ...، مسجد سهله و مسجد کوفه از بافضیلت‌ترین مکان‌های دعاست» (حداد عادل، ۱۳۹۱: ۷۵۶). در شعر شعرای مورد بحث نیز به زمان و مکان دعا در ابیات گوناگون اشاره شده است که به‌عنوان شاهد به تعدادی از آن‌ها اشاره می‌شود:

چنین گفت کز کردگار جهان	شناسنده آشکار و نهان
بترسید و او را ستایش کنید	شب تیره پیشش نیایش کنید (شاهنامه، ۷/ ابیات ۲۳۶۶-۲۳۶۷)
دعای صبح و آه شب کلید گنج مقصود است	بدین راه و روش می‌رو که با دلدار پیوندی (حافظ، غزل ۴۴۰)
از مسلمان و جهود و ترسا	هر سحر بانگ دعا می‌آید (دیوان شمس، غزل ۸۳۷)
مکن که روز جمالت سرآید ار سعدی	شبی به دست دعا دامن سحر گیرد (سعدی، غزل ۱۸۳)
دعا کن به شب چون گدایان به سوز	اگر می‌کنی پادشاهی به روز (سعدی، بوستان، مقدمه)
چون بخت روسپید شب اندر دعا گذار	زیرا دعای نوح به شب مستجاب شد (دیوان شمس، غزل ۸۸۰)

۶. استجاب دعا

معنی واقعی استجاب دعا در کلام بزرگان هم سخنی با خداوند است. توفیق دعا عین اجابت است و به بیان دیگر، اجابت قبل از دعا صورت می‌گیرد و همین است که باعث لذت‌بخشی و شورانگیزی دعا می‌شود. در تفاسیر قرآن دلایلی را برای استجاب نشدن دعا ذکر می‌کنند. در جلد اول تفسیر نور در این‌باره آمده است: «پس اگر دعا مستجاب نشد یا به جهت آن است که ما از خداوند خیر نخواسته‌ایم و درواقع برای ما شر بوده و یا اگر واقعاً خیر بوده، خالصانه و صادقانه از خداوند در خواست نکرده‌ایم و یا استمداد از غیر بوده است» (تفسیر نور، جلد اول، ص ۲۹۱). در ترجمه تفسیرالمیزان هم در علت مستجاب نشدن دعا می‌خوانیم: «دعا، دعای واقعی نیست و امر بر دعاکننده مشتبه شده، مثل کسی که اطلاع ندارد خواسته‌اش نشدنی است و از روی جهل همان را درخواست می‌کند» (قرائتی، ۱۳۸۴: ۲/۴۵). البته گاهی نیز حکمت و مصلحت خداوند در اجابت نکردن دعا است که ما از حکمت آن بی‌خبریم. «عسی أن تُكْرَهُوا شَيْئًا وَ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَ عسی أن تُحِبُّوا شَيْئًا وَ هُوَ شَرٌّ لَّكُمْ» (بقره: ۲۱۶). چه بسا که چیزی را نپسندید و آن برای شما نیکو باشد و ای بسا که چیزی را دوست داشته باشید و آن برای شما بد و زیان‌بار باشد. البته گاهی نیز نکات بسیار ظریف و شاعرانه‌ای مطرح می‌شود که بسیار مستدل و منطقی است. یعنی خداوند بندگان را که بیشتر دوست

دارد، بیشتر مشتاق همکلامی با اوست. «در روایات مختلف حکمت تأخیر اجابت دعای مؤمن، آن‌گونه نیز بیان شده است که خدا دوست دارد صدا و ناله بنده مؤمن را بشنود. اما دعای کافر را زود اجابت می‌کند چون خوش نمی‌دارد صدای او را بشنود؛ از این‌رو نباید تأخیر در اجابت، موجب ناامیدی و رها کردن دعا گردد» (حدادعادل، ۱۳۹۱: ۱۷/۷۵۸). گاهی نیز افکار و حالاتی مانع استجاب دعا می‌شود. «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ الدُّعَاءَ؛ خدایا بیامرز آن گناهانی را که از اجابت دعا جلوگیری کند» (فرازی از دعای کمی). اما عوامل دیگری را نیز در آیات و روایات و احادیث در مستجاب نشدن دعا آورده‌اند؛ از عمده عوامل استجاب نشدن دعا می‌توان به گناه، ظلم به دیگران، تکبر، سبک شمردن نماز، قطع صلوة رحم، نافرمانی از پدر و مادر، مال حرام، حسد، غیبت، ظاهرسازی، دنیاطلبی، تحقیر و آزار دیگران اشاره کرد که در شعر فارسی نیز نمود فراوانی دارد.

چه نیکی طمع دارد آن بی‌صفا که باشد دعای بدش در قفا؟ (بوستان، باب اول)

دعای مَنّت کی شود سودمند اسیران محتاج در چاه و بند؟

تو ناکرده بر خَلق بخشایشی کجا بینی از دولت آسایشی؟

بیایدت عذر خطا خواستن پس از شیخ صالح دعا خواستن

کجا دست گیرد دعای ویت دعای ستمدیدگان در پیت؟ (بوستان، باب اول)

دعوت حق نشنوی آنکه دعاها می‌کنی شرم بادت ای برادر زین دعای بی‌نماز (دیوان شمس، غزل

(۱۱۹۴)

ز شست صدق گشادم هزار تیر دعا ولی چه سود یکی کارگر نمی‌آید (حافظ، غزل ۲۳۷)

۷. آثار دعا

دعا از جمله عبادات ارزشمندی است که آثار و منافع فراوانی را برای دعا کننده دارد که مهم‌ترین آن ارتباط بلاواسطه و امکان گفت‌وگو با خالق است که از نظر عرفا این بهترین اثر دعا است. انسان در پرتو دعا به خداواری، خودشناسی، گشایش در کار، آرامش بخشی، شادی، قضاگردانی، بینش دل، بصیرت‌افزایی، پرهیز از کبر و غرور، امیدواری، آزادگی، مهربانی، اطمینان قلبی، سعادت‌مندی، شجاعت، امنیت و در یک کلام نزدیکی به خداوند می‌رسد. برای پرهیز از طولانی شدن کلام به چند نمونه از آثار شعرای مورد بحث اشاره می‌شود:

بلاگردان جان و تن دعای مستمندان است که بیند خیر از آن خرمن که ننگ از خوشه‌چین دارد (حافظ، غزل

(۱۲۱)

هر گنج سعادت که خدا داد به حافظ از یمن دعای شب و ورد سحری بود (همان، غزل ۲۱۶)

سال‌ها دفتر ما در گرو صهبا بود	رونق می‌کده از درس و دعای ما بود (همان، غزل ۲۰۳)
همه پیش یزدان نیایش کنید	بخوانید و او را ستایش کنید
مگر کاین بلاها زما بگذرد	کزین پس کسی‌مان به کس نشمرد (شاهنامه، ۶/ ابیات ۳۶۰-۳۶۱)
بیا و گر همه بد کرده‌ای که نیکت باد دعای نیکان از چشم بد نگهبانت (سعدی، غزل ۱۴۸)	
دعای سعدی اگر بشنوی زیان نکنی که یحتمل که اجابت بود دعایی (همان، غزل ۲۱)	
گر چه بخواند هنوز دست جزع بر دعاست	ور چه براند هنوز روی امید از قفاست (همان، غزل ۴۸)
غنیمت شمارند مردان دعا	که جوشن بود پیش تیر بلا (سعدی، بوستان، باب هفتم)
ای خدا سنگین دل ما موم کن	نالۀ ما را خوش و مرحوم کن (مثنوی، دفتر دوم، بیت ۱۹۹۲)
دعای ضعیفان امیدوار	ز بازوی مردی به آید به کار (سعدی، بوستان، باب اول)
نبایدت که پریشان شود قواعد ملک	نگاه دار دل مردم از پریشانی
چنانکه طایفه‌ای در پناه جاه تواند	تو در پناه دعا و نماز ایشانی (کلیات سعدی، قطعه شماره ۲۱۷)
هم او که دلتنگت کند سرسبز و گلرنگت کند	هم اوت آرد در دعا هم او دهد مزد دعا (دیوان شمس، غزل ۲۱)
مطلوب را طالب کند مغلوب را غالب کند	ای بس دعاگو را که حق کرد از کرم قبله دعا (همان، غزل ۲۷)
آن‌ها که ز ما خبر ندارند	گویند دعا اثر ندارد
خاموش که مشکلات جان را	جز دست خدای بر ندارد (دیوان شمس، غزل ۶۹۶)

۸. طرز نگاه فردوسی، سعدی، مولوی و حافظ به دعا با تأکید بر نسخ مصور آثار آن‌ها

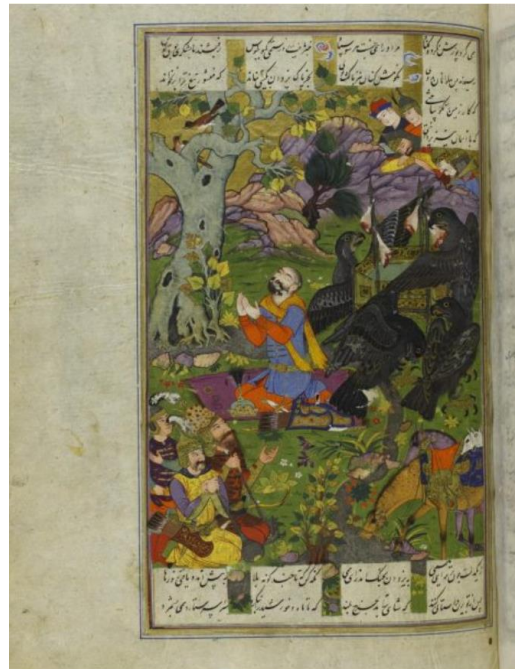
دعا و نیایش در شاهنامه در اکثر مواقع همراه با طهارت و پاکیزگی دعاکننده و با تواضع کامل به درگاه خداوند انجام گرفته است و بیشتر درخواست قدرت و پیروزی برای خود یا همراهان و طلب شکست و نابودی برای دشمنان است. درواقع نیایش‌های شاهنامه هم در معنای ستایش خداوند و هم طلب و خواستن از اوست. فردوسی، ضمن آنکه برای توانایی و قدرت پهلوانان ارزش والایی قائل است، ولی هر زمان که پهلوان و پادشاه او با در بسته مواجه می‌شود از کلید دعا بهره می‌جوید؛ چراکه به قول علی اکبر امینی: «در دنیای شاهنامه... در وجود قهرمانان بزرگ، دلیری و دانایی، خردمندی و دادگری به هم آمیخته است» (امینی، ۱۳۹۵: ۱۴۵). ضمن آنکه خیلی از شاهان و شاهزادگان هم جزء پهلوانان شاهنامه محسوب می‌شوند.

نیایش زاندازه بگذاشتند

همه در زمان دست برداشتند (شاهنامه، ۶/بیت ۳۶۳)

همی خواند بر کردگار آفرین

کز بود پیروزی و زور و کین (همان، ۴/ بیت ۱۳۹)



تصویر ۱. نگاره داستان کی کاووس و گمراهیش توسط ابلیس. شاهنامه فردوسی ۱۰۱۴ ه.ق. محل نگهداری: کتابخانه دولتی برلین.

مناجات‌های مولوی از عمق و غنای بیشتری برخوردارند، در عین سادگی و صمیمیت، ژرفای بیشتری دارند. حدود ۲۰۰۰ بار کلمه دعا و مشتقات آن در کلام مولوی نشان از توجه خاص وی به دعا و امید به اجابت الهی و بالاتر از همه این‌ها، هم کلامی با خداوند است. در تصویر شماره ۲ استجابت دعا توسط نگارگر منعکس شده است.



تصویر ۲. برگگی از مثنوی، سرور پس از استجابت دعا. قرن ۱۹ محل نگهداری: کتابخانه دولتی برلین.

دعا و نیایش‌های مولانا بسیار عمیق و شورانگیز است و احساس می‌شود جهان را چون آینه‌ای می‌بیند که می‌توان حضرت حق را تماشا کرد. انسان حقیقت‌جو خود را چون خاک می‌داند و جمال دلربای معشوق و معبود را چون آب روان و فیاض و لذا در تلاش است تا خود را از قیدوبندهای این عالم خاکی جدا سازد. انسان در شعر مولانا در برابر عظمت بی‌چون خداوند هیچ هیچ است. مولانا عاشق پاک‌باخته‌ای است که به مدد عشق به پختگی رسیده است.

هر که را جامه ز عشقی چاک شد او ز حرص و عیب کلی پاک شد (مثنوی، بیت ۲۲)

مهمان شام هر شبی بر خوان احسان و وفا مهمان صاحب دولت که دولتش پاینده با (دیوان شمس، غزل ۱۰)

ای دهنده عقل‌ها فریاد رس تا نخواهی تو نخواهد هیچ کس

هم طلب از تست و هم آن نیکوی ما کییم اول توی آخر توی

هم بگو تو هم تو بشنو هم تو باش ما همه لاشیم با چندین تراش (مثنوی، دفتر ششم، ابیات ۱۴۳۸-۱۴۴۰)

سعدی در نقش یک معلم اخلاق، بیشتر نیایش‌ها و دعاهايش با ستایش خداوند آغاز می‌شود و همراه با امر به معروف و نهی از منکر است، به‌ویژه در بوستان و برخی از قصاید که به نوعی تعلیم بیان نیایش هم هست و در واقع مثل یک کلاس درس و مجلس وعظ است. سبک شعری سعدی با توجه به سادگی، بسیار هنرمندانه است که از آن به «سهل ممتنع» یاد می‌شود.



تصویر ۳. نگاره گدا بر در مسجد. بوستان سعدی. مکتب بخارا. قرن دهم ه.ق. محل نگهداری: آرشیو اختصاصی پروفیسور برنارد اوکین در نگاره شماره ۳ از بوستان سعدی، نگارگر، برخی از پیکره‌ها را در حال نیایش و با دستانی رو به آسمان ترسیم کرده است.

سعدی زبانش بسیار لطیف و موعظه‌گرایانه است و به قول استاد سیروس شمیسا: «سعدی علاوه بر اینکه صاحب سبک است، همواره رهبر یک جریان شعری هم بوده است، حتی تا امروز» (بهار، ۱۳۷۷: ۲۱۰).

ثنا و حمد بی‌پایان خدا را	که صنعش در وجود آورد ما را
چه باشد پادشاه پادشاهان	اگر رحمت کنی مشتی گدا را
خداوندا تو ایمان و شهادت	عطا دادی به فضل خویش ما را
از احسان خداوندی عجب نیست	اگر خط در کشی جرم و خطا را

مسلمانان ز صدق آمین بگویند که آمین تقویت باشد دعا را (سعدی، غزل ۱)

هرچند واژه دعا و نیایش در دیوان حافظ کاربرد کم‌تری نسبت به دیگران دارد، اما همین اندازه هم در تکبیت‌هایی که از حافظ در بحث دعا آمده است؛ نشان از رنگ و روی فراوان قرآنی آن دارد. البته طنز و ایهام در سخن گفتن با خدا نیز، حافظ را رها نمی‌کند. گویی ناف حافظ را در سبک شعری‌اش با طنز و ایهام بریده‌اند. دست دعا را با چنان ظرافتی جای دست کامجو می‌گذارد که گویی دقیق در جایگاه خود نشسته است.

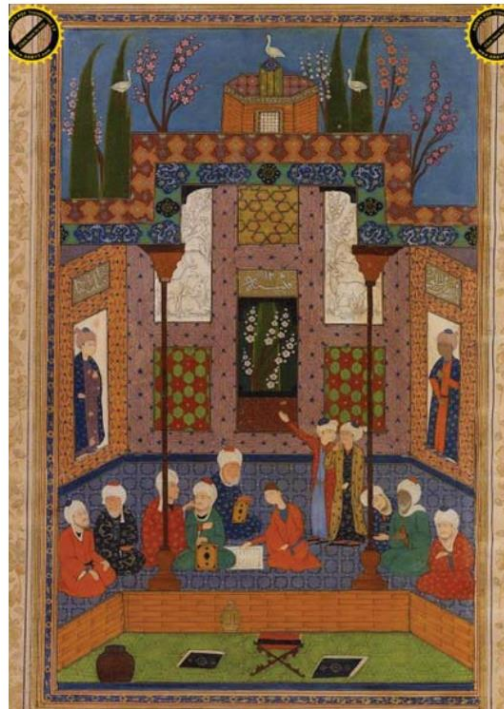
محراب ابرویت بنما تا سحرگهی دست دعا برآرم و درگردن آرمت (حافظ، غزل ۹۱)

بگذر به کوی میکده تا زمرة حضور
 اوقات خود ز بهر تو صرف دعا کنند (همان، غزل ۱۹۶)

گفتم دعای دولت او ورد حافظ است
 گفت این دعا ملایک هفت آسمان کنند (همان، غزل ۱۹۸)

حافظ وظیفه تو دعا گفتن است و بس
 دریند آن مباحث که نشنید یا شنید (همان، غزل ۲۴۳)

در تصویر شماره ۴، مکان نیایش و قرآن به عنوان یکی از ابزارهای نیایش منعکس شده است.



تصویر ۴. نگاره مجلس درس قرآن. قرن دهم ه.ق. دیوان حافظ، محل نگهداری: دانشگاه پرینستون

نتیجه گیری

باتوجه به اینکه دعا مغز عبادت است و دین بر پایه و محور عبادت بنا شده است، فضیلت و شایستگی دعا به عنوان کامل ترین و نزدیک ترین راه به سوی خداوند کاملاً مشهود است. طبق آیات محکم قرآن و احادیث و روایات معتبر، فضیلت و وجوب دعا امری حتمی است. دعا در واقع ابراز بندگی است و اصل در دعا خود خداست و استجاب و گرفتن خواسته، فرع آن است. دعا نشانه نیاز و احتیاج به درگاه معشوق و معبود است و لذا هرچه ناز معشوق بیشتر، سوز و گداز عاشق افزایش پیدا می کند. دعا باعث ایجاد شور و نشاط دائمی انسان می شود و خستگی و خمودی در او راه پیدا نمی کند. دعا باعث امیدواری انسان می شود و شخص امیدوار، عزت نفس پیدا می کند و به نوعی خود باوری می رسد. دعا در واقع هدیه و بخشش خداوند است و کلید تقرب و نزدیکی به خداوند است تا قفل های حجاب و جدایی را بشکند. با حبل المتین دعا می توان خود را با مهرورزی و عشق به سرچشمه فیض و رحمت الهی رساند. دعا عین زندگی است و آن هم از نوع الهی و پاک و لذا وقتی فرصت دعا برای بنده ای فراهم می شود؛ در واقع لطف و عنایت و رحمانیت خداوند

برای وی محقق می‌شود. بزرگان، دعا را قبل از آنکه ابزار زندگی بدانند، آن را ابزار بندگی می‌دانند؛ چراکه دعا عرصه‌شناخت درست و دقیق خداوند عالم است. در شعر شعرای مورد بحث نیز به عینه مشاهده شد که هرکدام از شاعران با توجه به سبک و طرز بیانشان ترجمانی از کلام وحی و آیات و احادیث را در امر دعا به تصویر کشیده بودند. به عبارت دیگر دعا در دیدگاه این چهار پایه شعر و ادب فارسی، راه روشن و صادقانه‌ای است برای همکلامی مخلوق با خالق، به نحوی که بنده ضمن ابراز مراتب بندگی، حس خوشایندی از این گفت‌وگوی صمیمانه به همراه آثار ارزشمند فراوانی که پیشتر بدان‌ها اشاره شد، خواهد برد.

فهرست منابع و مآخذ:

کتاب‌ها

قرآن کریم.

- امینی، علی‌اکبر. (۱۳۹۵). پیوند ادب و سیاست. چاپ اول، تهران: انتشارات اطلاعات.
- بهار، محمدتقی (ملک‌الشعرا). (۱۳۷۷). سبک‌شناسی زبان و شعر فارسی. چاپ اول، تهران: انتشارات مجید.
- جهانپور، علی. (۱۳۹۴). سرود نیایش (نگاهی به نیایش‌های فردوسی در شاهنامه). تهران: شرکت سهامی انتشار.
- حداد عادل، غلامعلی. (۱۳۹۱). دانشنامه جهان اسلام. جلد ۱۷، تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی.
- دیوان غزلیات حافظ شیرازی. (۱۳۶۶). بکوشش دکتر خلیل خطیب رهبر. چاپ چهارم، تهران: انتشارات صفی‌علیشاه.
- دایره‌المعارف تشیع. (۱۳۷۸). جلد هفتم، تهران: نشر سعید محبی.
- زرین‌کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۸). سر نی. چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی.
- زمانی، کریم. (۱۳۸۲). میناگر عشق (شرح موضوعی مثنوی معنوی). تهران: نشر نی.
- شاهنامه فردوسی از روی چاپ مسکو. (۱۳۷۵). به کوشش سعید حمیدیان، چاپ سوم، تهران: نشر قطره.
- شمیسا، سیروس. (۱۳۸۶). سبک‌شناسی شعر. تهران: انتشارات میترا.
- طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۳۹۴). ترجمه تفسیر المیزان، ج ۲، چاپ ۳۷، تهران: دفتر انتشارات اسلامی.
- قریب، محمد. (۱۳۶۶). تبیین‌الغات لتبیین‌الآیات (فرهنگ لغات قرآن). تهران: انتشارات بنیاد.
- قرائتی، محسن. (۱۳۸۴). تفسیر نور. چاپ سیزدهم، جلد ۱، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- کرمانی، محمد. (۱۳۸۳). دعا و نیایش (پژوهشی پیرامون مسئله دعا و معرفی دعاهای مثنوی). تهران: به نشر.
- کلیات سعدی. (۱۳۷۸). به اهتمام محمدعلی فروغی. چاپ اول، تهران: نشر پیمان.
- مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۸۰). کلیات شمس تبریزی، تصحیح بدیع‌الزمان فروزانفر، به کوشش اردوان بیاتی تهران: انتشارات دوستان.
- مولانا، جلال‌الدین محمد. (۱۳۷۸). مثنوی معنوی. به اهتمام رینولد تیکلسون، چاپ اول، تهران: انتشارات اهورا.